

معجزه کلمه

مسئله وجود خداوند همواره به عنوان یکی از سرفصل‌های مهم کاوش‌های فلسفی مطرح بوده است و در طول تاریخ فلسفه، فلاسفه متعلق به مشرب‌های مختلف فکری به بیان و سنجش استدلال‌هایی له یا علیه وجود خداوند پرداخته‌اند.



مسئله وجود خداوند همواره به عنوان یکی از سرفصل‌های مهم کاوش‌های فلسفی مطرح بوده است و در طول تاریخ فلسفه، فلاسفه متعلق به مشرب‌های مختلف فکری به بیان و سنجش استدلال‌هایی له یا علیه وجود خداوند پرداخته‌اند. مسئله وجود خداوند همواره به عنوان یکی از سرفصل‌های مهم کاوش‌های فلسفی مطرح بوده است و در طول تاریخ فلسفه، فلاسفه متعلق به مشرب‌های مختلف فکری به بیان و سنجش استدلال‌هایی له یا علیه وجود خداوند پرداخته‌اند. معمولاً نظر متکلمان مسلمان این بوده است که وجود خداوند بدیهی است. از نظر بسیاری از فلاسفه خداباور همچون آکوئیناس وجود خدا بدیهی نیست و نیاز به اثبات دارد و مسلماً از نظر فلاسفه ندانم‌گرا و بی‌خدا وجود خدا بدیهی نیست. از سوی دیگر برخی از فلاسفه خداباور مانند ابن‌سینا و ملاصدرا ضمن اذعان به بدهاوت وجود خدا، به دفاع از براهین اثبات وجود خدا پرداختند و آن را مایه تنبه و توجه بیشتر به این امر بدیهی دانستند. برهان‌های اثبات وجود خدا در آیین‌ها، مذاهب‌ها و مکتب‌ها بسیار مورد توجه بوده‌اند و در طول تاریخ برهان‌های زیادی در اثبات وجود خدا ارائه شده‌است.

دکتر محمد محمدرضایی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران مدعی است که در کنار براهین اثبات وجود خداوند می‌توان از قرآن کریم به عنوان معجزه جاودان بر اثبات وجود خداوند استدلال کرد. تاکنون چندین کتاب و مقاله از او منتشر شده است. «؛تجربه دینی بشر»، «؛الهیات فلسفی»، «؛مبانی فلسفه مسیحیت»، «؛تبیین و نقد فلسفه اخلاق و عرفان»، «؛براهین اثبات خدا در فلسفه غرب» و «؛خدا از نگاه امام علی(ع)» از جمله این آثار است.

آقای دکتر، در طول تاریخ فلسفه چه دیدگاهی در مورد لزوم و ضرورت اثبات وجود خداوند مطرح بوده و تاکنون چه برهان‌هایی در این باره اقامه شده است؟

یکی از موضوعات اساسی ادیان و اصولاً یکی از موضوعات و دغدغه‌های اصلی انسان، مسئله وجود خداوند است. متکلمان و فیلسوفان هر کدام در طول تاریخ براساس ذوق و سلیقه خودشان تلاش کردند استدلال‌هایی را برای اثبات وجود خداوند مطرح کنند؛ البته دیدگاه دیگری در باب وجود خداوند وجود دارد که معتقد است وجود خداوند بدیهی است و نیاز به استدلال ندارد. درک خداوند امری فطری است که با کمترین توجهی به آن انسان‌ها می‌توانند متوجه خالق و آفریدگار خود شوند. همچنین برخی از فلاسفه‌ای که قائل به بدهاوت وجود خداوند هستند در عین حال معتقدند که در واقع استدلال‌ها انسان را متوجه و متنبه می‌کند و به وجود خداوند تنبه می‌دهد و در نتیجه این استدلال‌ها لازم است. برخی‌ها هم معتقدند که باید بر وجود خداوند استدلال بیاوریم، البته در طول تاریخ استدلال‌هایی بر وجود خداوند مطرح شده است.

از قدیم‌الایام تاکنون استدلال‌های فراوانی بر وجود خداوند ارائه شده و هر فیلسوفی براساس تفکر فلسفی خود سعی کرده که استدلالی بر وجود خداوند اقامه کند، مثلاً اگر به تاریخ فلسفه نگاه کنیم برهان صدیقین یا برهان وجوب و امکان به نام ابن‌سینا یا احتمالاً به نام فارابی و برهان امکان فقری، برهان حرکت جوهری بر اثبات وجود خداوند به نام ملاصدرا ثبت شده است، همچنین برهان اخلاقی بر وجود خداوند به نام ایمانوئل کانت مشهور شده است و برهان وجودی (آنتولوژی) به نام قدیس آنسلم ثبت شده است؛ بالاخره هر کسی با توجه به ذوق و سلیقه و استعداد خود سعی کرده راهی را برای اثبات وجود خداوند بیابد.

شما معتقدید که در کنار دلایل ارائه شده و برهان‌های ثابت شده می‌توان از قرآن کریم که کلام خداوند و معجزه پیامبر اسلام(ص) است بهره برد. در این مورد توضیح بیشتری ارائه می‌دهید؟

در تحقیقاتم تلاش کرده‌ام راه جدیدی را برای اثبات وجود خداوند بگشایم و آن اینکه خود قرآن می‌تواند دلیلی بر اثبات وجود خداوند باشد؛ متکلمان و فلاسفه اسلامی از این مسئله قدری غفلت کردند و اگر کتاب‌های کلامی و فلسفی فیلسوفان اسلامی را مشاهده کنیم در کنار براهین اثبات وجود خداوند، قرآن کریم را ذکر نکردند.

من متوجه شدم که قرآن کریم می‌تواند دلیل بسیار خوبی بر وجود خداوند باشد، علاوه بر اینکه کتاب هدایت برای انسان‌ها معجزه جاودانه‌ای است که خداوند در اختیار پیامبر(ص) قرار داده برای اینکه انسان‌ها را به سعادت برساند. در عین حال قرآن کریم می‌تواند دلیلی بر وجود خداوند باشد؛ یعنی همان طور که می‌توانیم از نظم عالم و خلقت انسان پی به وجود خداوند ببریم، می‌توانیم از تأمل در قرآن کریم وجود خداوند را اثبات کنیم و این شاید دلیلی بسیار قوی باشد بر این مسئله که سعی کردیم این ادعا را به صورت استدلالی

متکلمان و فیلسوفان اسلامی، معجزه را دلیل قطعی بر صدق ادعای مدعی نبوت می‌دانند که با اراده خداوند در اختیار پیامبران قرار داده شده تا بتواند دلیل صدق گفتار آنها باشد. در این مقوله گفته شده که معجزاتی مانند اژدها شدن عصای حضرت موسی(ع) یا زنده شدن مردگان و جاری شدن چشمه و... می‌تواند دلیل صدق مدعی نبوت باشد، اما قرآن کریم ویژگی‌هایی دارد که دلیل حقانیت آن در خود قرآن وجود دارد؛ یعنی قرآن مجید در عین حالی که می‌تواند مدعی صدق نبوت باشد در واقع خود کلام خداوند دلیل حقانیت خودش هست؛ یعنی اینها دو چیز مجزایی نیستند که معجزه یک طرف و کلام خداوند در طرف دیگر وجود داشته باشد و معجزه تنها دلیلی بر صدق گفتار پیامبر(ص) باشد، بلکه خود این معجزه که کلام خداوند است حقانیتش در خودش وجود دارد و از مواردی است که شک و شبهه‌ای در آن نیست. خداوند می‌فرماید: «؛اگر شما شک و شبهه‌ای دارید آیه‌ای مانند قرآن بیاورید.«؛ خداوند از زبان پیامبر(ص) می‌فرماید: «؛اگر مشرکان می‌گفتند جایی از قرآن را تغییر بدهد، بگو من از جانب خودم نمی‌توانم تغییری در این قرآن ایجاد کنم.«؛ پس قرآن دارای ویژگی‌ای است که حقانیت آن در خودش هست.

شما در استدلال این نظریه به چه مستنداتی توجه کردید؟

در این استدلال هم به دلیل نقلی توجه کردیم و هم به دلیل عقلی. روایات معصومین(ع) هم ما را متوجه کرده که اگر قرآن مورد تأمل قرار گیرد انسان به خداوند می‌رسد؛ یعنی همان طوری که قرآن می‌فرماید: «؛أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِلَهِ كَيْفَ خَلَقْتَ؛ آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده.«؛ معتقدم اگر به آیات قرآن هم توجه کنیم این آیات هم می‌تواند ما را به خداوند برساند و خود قرآن کریم و روایات مؤید این مسئله هستند. مثلاً شما در قرآن مشاهده می‌کنید که آیه‌ای هست «؛أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا؛ آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند، اگر از جانب غیر خدا بود قطعا در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.«؛ چون در قرآن کریم اختلاف نیست، وقتی در آن دقت کنیم پس معلوم می‌شود که از جانب خداوند نازل شده است. خود خداوند هم این کتاب را دلیلی بر وجود خود دانسته است.

همان طوری که ملاصدرا می‌گوید، من حرکت جوهری را از آیات قرآن برگرفتم؛ همان آیه‌ای که می‌فرماید: «؛وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَمَادٍ وَهِيَ تَمُورُ مَرَّ السَّحَابِ صُغَّرَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ؛ و کوه‌ها را می‌بینی [و] می‌پنداری که آنها بی‌حرکتند و حال آنکه آنها ابرآسا در حرکتند [این] صنع خدایی است که هر چیزی را در کمال استواری پدید آورده است. در حقیقت او به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.«؛ ملاصدرا می‌گوید من از این آیه حرکت جوهری را استنباط و آن را استدلالی کردم.

مراحل استدلال شما در اثبات این نظریه چگونه است؟

مراحل استدلال این است که قرآن معجزه است؛ این معجزه بودن قرآن کریم ثابت است یعنی قرآن تحدی کرده و اعلام می‌کند که من معجزه هستم، اگر هر کسی شک و شبهه‌ای دارد مثل و مانند این را بیاورد. در واقع تمام متکلمان اسلامی این را قبول دارند و حتی متفکران ادیان دیگر هم به این امر گردن نهادند. دوم اینکه پیامبر(ص) به دلیل آنکه درس نخوانده بوده نمی‌تواند آورنده قرآن کریم باشد. سوم اینکه براساس اصل علت هر معلولی به علت محتاج است و از آنجا که قرآن مصداق معلول است نیازمند علتی است. علت پدیدآورنده قرآن پیامبر اسلام(ص) نیستند زیرا ایشان درس نخوانده و امی بودند. چهارم اینکه از آنجا که در قرآن کریم هیچ اختلاف و ناسازگاری‌ای وجود ندارد پدیدآورنده قرآن نمی‌تواند از سنخ موجوداتی باشد که در معرض حرکت، دگرگونی و تکامل هستند، چون تحول و تکامل در ذات علت، تحول در ذات معلول را در پی دارد. پنجم اینکه علت و پدید آورنده قرآن نمی‌تواند از سنخ موجودات امکانی، مادی و... باشد زیرا همه موجودات امکانی متصف به حدود ذاتی هستند که ذات آنها دمامد از علت، وجود جدیدی را دریافت می‌کند. نتیجه اینکه قرآن کریم به عنوان یک معجزه نیازمند علت است و علت آن هم خداوند علیم و حکیم و خالق همه هستی است. بنابراین از این طریق می‌توانیم وجود خداوند را اثبات کنیم. البته برخی از متفکران و مفسران بزرگ این برهان را ناکارآمد دانسته‌اند که در تحقیق خودمان سعی کرده‌ایم به اشکالات آنها پاسخ داده شود و اثبات کنیم که قرآن می‌تواند دلیلی بر وجود خداوند باشد.

یکی از اشکالاتی که می‌توان بر این نظریه بیان کرد این است که کسانی که رخدادهای غیرعادی را نیازموده باشند و در واقع تجارب مربوط به این حوادث به صورت یقینی به آنها منتقل نشده باشد، می‌توانند در اصل وقایع یاد شده تردید کنند؛ به عبارتی در واقع ما که معجزه را تجربه نکردیم نمی‌توانیم یقین کنیم که چنین معجزه‌ای اتفاق افتاده است، شما چه پاسخی به این اشکال دارید؟ این اشکال شاید در مورد معجزات فعلی صادق باشد، تبدیل عصا به اژدها در گذشته اتفاق افتاده و ما باید از راه‌هایی به آن یقین پیدا کنیم، ولی کسانی که یقین ندارند این معجزه نمی‌تواند استدلالی بر وجود خداوند باشد، اما قرآن کریم معجزه قولی است؛ یعنی اینکه قرآن کریم اکنون موجود است و تا آخر حیات انسان‌ها هم وجود دارد، لذا این اشکال متوجه قرآن کریم نمی‌تواند باشد. قرآن اکنون در دسترس همه افراد قرار گرفته است، پس نمی‌توان در اصل وجود آن همانند سایر معجزات شک کرد. خود قرآن هم می‌فرماید: «؛ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ؛ این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقوایی‌هاست.«؛ یا به تعبیر دیگری می‌گوید: «؛يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا؛ ای مردم در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده‌ایم.«؛